



کدام دولت قدرت خرید اقشار کم درآمد را بالاتر برد؟

# یارانه رئیسی

## یا کالا برگ پزشکيان؟

مقایسه قدرت خرید اقشار کم درآمد پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در دولت سیزدهم و حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت چهاردهم

قدرت خرید ۳ دهک پایین درآمدی در دولت سیزدهم پس از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی با دریافت یارانه نقدی ۴۰۰ هزار تومانی تقریباً ۳۰ درصد بیشتر از قدرت خرید همین اقشار پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت چهاردهم با وجود دریافت کالا برگ یک میلیون تومانی بوده است.

بنابراین هم‌اکنون در دولت چهاردهم مجموع یارانه نقدی و کالا برگ هر نفر در ۳ دهک کم درآمد یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است.

از آنجا که دولت چهاردهم مدعی است با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و پرداخت کالا برگ، قدرت خرید اقشار کم درآمد بهتر از همیشه تاریخ شده، مقایسه‌ای کرده‌ایم بین قدرت خرید یارانه نقدی در خرداد ۱۴۰۱ پس از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی در دولت شهید رئیسی و قدرت خرید مجموع کالا برگ و یارانه نقدی در دی‌ماه ۱۴۰۴ پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت مسعود پزشکیان.

دولت شهید رئیسی در اردیبهشت ۱۴۰۱ اقدام به حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی کرد و درازای آن یارانه نقدی ۳ دهک کم درآمد را به نفری ۴۰۰ هزار تومان و یارانه سایر اقشار را به نفری ۳۰۰ هزار تومان افزایش داد.

دولت مسعود پزشکیان هم در دی‌ماه امسال ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی را حذف کرد و برای جبران گرانی‌ها، کالا برگ یک میلیون تومانی به همه اقشار داد ضمن اینکه یارانه نقدی همچنان سر جای خود پرداخت می‌شود.

در این بررسی، قیمت کالاهای اساسی که بیش از این مشمول ارز ترجیحی بودند را از گزارش‌های مرکز آمار استخراج کرده‌ایم که شامل برنج، گوشت، مرغ، تخم مرغ، لبنیات و روغن می‌شود.

کالای اساسی (قیمت‌ها به ریال)	قیمت در خرداد ۱۴۰۱	قیمت در دی ۱۴۰۴
گوشت گوسفند (کیلوگرم)	۱,۸۳۳,۳۴۳	۱,۰۴۰۲,۲۴۳
گوشت گاو یا گوساله (کیلوگرم)	۱,۹۳۰,۶۰۲	۱,۰۶۱۴,۰۶۱
مرغ ماشینی (کیلوگرم)	۴۵۶,۷۵۲	۱,۹۲۸,۶۲۶
شیر پاستوریزه (یک لیتر)	۲۱۹,۴۶۵	۷۳۰,۰۵۲
خامه پاستوریزه (۲۰۰ گرم)	۱۷۹,۴۸۰	۶۹۹,۴۰۳
ماست پاستوریزه (کیلوگرم)	۳۰۶,۱۶۰	۱,۰۲۸,۲۲۶
دوغ پاستوریزه (۱,۵ لیتر)	۲۰۰,۸۰۴	۷۱۷,۶۵۵
پنیر ایرانی پاستوریزه (۵۰۰ گرم)	۴۵۰,۱۴۵	۱,۳۵۱,۶۷۶
تخم مرغ ماشینی (کیلوگرم)	۳۹۸,۶۷۲	۱,۸۹۲,۵۲۲
کره پاستوریزه (۱۰۰ گرم)	۲۰۰,۲۰۴	۷۳۹,۰۴۶
روغن مایع (۹۰۰ گرم)	۷۲۰,۸۱۳	۱,۶۵۶,۴۴۸
<b>مجموع</b>	<b>۶,۸۹۶,۴۴۰</b>	<b>۳۱,۷۵۹,۹۵۸</b>
یارانه نقدی و کالا برگ اقشار کم درآمد	۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰
نسبت یارانه دریافتی به هزینه کالاهای اساسی (درصد)	۵۸	۴۴

این مقایسه نشان می‌دهد یارانه نقدی ۴۰۰ هزار تومانی که دولت شهید رئیسی در سال ۱۴۰۱ بابت جبران گرانی‌های ناشی از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی به اقشار کم درآمد پرداخت کرد، ۵۸ درصد مجموع قیمت ۱۱ قلم کالای اساسی را پوشش می‌داد.

این در حالی است که در دی‌ماه امسال رقم پرداختی دولت پزشکیان بابت حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی (مجموع کالا برگ یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان یارانه نقدی) فقط ۴۴ درصد مجموع قیمت ۱۱ قلم کالای اساسی را پوشش می‌دهد.

به عبارت دیگر قدرت خرید اقشار کم درآمد (۳ دهک پایین درآمدی) در دولت سیزدهم پس از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی به علت دریافت یارانه نقدی ۴۰۰ هزار تومانی تقریباً ۳۰ درصد بیشتر از قدرت خرید همین اقشار پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دولت چهاردهم با وجود دریافت کالا برگ یک میلیون تومانی بوده است.

### مقایسه ارزش دلاری یارانه رئیسی و کالا برگ پزشکیان

نرخ دلار (ریال)	یارانه و کالا برگ اقشار فقیر (ریال)	ارزش دلاری
۳۱۲,۲۴۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۲/۸
۱,۴۱۷,۶۸۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۹/۹

از لحاظ ارزش دلاری هم یارانه نقدی که شهید رئیسی به اقشار کم درآمد پرداخت کرد تقریباً ۳۰ درصد بیشتر از مجموع کالا برگ یک میلیونی و یارانه ۴۰۰ هزار تومانی فعلی است که به اقشار کم درآمد پرداخت می‌شود.





## قالیباف: بنزین گران نمی‌شود

**رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه برداشت رسانه‌ها از گرانی بنزین اشتباه است گفت: بودجه لازم برای بنزین مصوب شده و تغییر قیمت نداریم.**

به گزارش خانه ملت، دکتر محمد باقر قالیباف در نشست علنی دوشنبه ۲۷ بهمن‌ماه در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ گفت: دیروز (یکشنبه) پس از اتمام جلسه در رسانه‌ها مطلبی را دیدم که توضیحی در این رابطه خواهم داد و همکاران هم در کمیسیون تلفیق توجه داشته باشند، شما می‌دانید که در لایحه بودجه یک جدول جمعی خرجی وجود دارد که براساس اصول حسابداری باید همه موضوعات را به‌خاطر شفافیت در جدول جمعی خرجی داشته باشیم و این موضوع هم در خصوص بنزین وجود دارد؛ اما برخی‌ها در جدول ۱۴ منابع را ضرب و تقسیم کردند و تفسیرهایی در رسانه‌های این رابطه مطرح شد اما باید بگویم در این جدول ۵۴۸ همت منابع گذاشتیم ولی این‌ها ضرب و تقسیم کردند که از کجا آمده است و فریب‌دهنده ۱۲۵ میلیون لیتر کردند و گفتند قیمت بنزین در سال آینده لیتری ۶۰ هزار تومان خواهد شد که اصلاً این چنین نیست و چینی هدفی وجود ندارد.

وی افزود: اگر به جدول ۲۴ جمعی خرجی نگاه می‌شود، می‌بینید که در ردیف اعتباری را تعیین کردیم و به‌طور قطع در ردیف ۲-۱۸۱۱ اعتباری بالغ بر ۴۱۶ همت یعنی ۳۰۴ پول گذاشتیم و ۲۰۷ دیگر هم یعنی ۳۲۲ همت هم ریفرمیت برای بنزین تعیین کردیم، حال با این وجود، یک جنگ رسانه‌ای به راه انداختند تا فضا سازی کنند و بگویند بنزین می‌خواهد لیتری ۶۰ هزار تومان شود که اصلاً چینی چیزی مطرح نیست زیرا اعتبار برای این حوزه پیش‌بینی شده است. البته این موضوع را برای مردم عزیز توضیح دادم تا رسانه‌ها برداشت غلط به جامعه منتقل نکنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: اما واقعیت این است که اشکالاتی وجود دارد و باید در مصرف سوخت صرفه‌جویی کنیم، اکنون در بسیاری از تولیدات داخلی، صنایع و خودروهایمان استاندارد لازم وجود ندارد و مصرف‌ان بالاست، الان ۱۳۷ میلیون لیتر در روز مصرف بنزین داریم و بابت این موضوع میلیارد دلارهایی که باید کردیم داریم بنزین وارد می‌کنیم و از طرفی صد درصد تولید داخلی بنزین را هم داریم می‌دهیم و از طرفی هم داریم لیتری ۶۰ الی ۷۰ هزار تومان می‌خریم یعنی آن ۳۰۴ میلیارد دلار را برای خرید بنزین اختصاص دادیم لذا اگر بتوانیم در مصرف بنزین صرفه‌جویی کنیم حتماً بهتر است، بخشی از آن را باید خودمان و دولت انجام دهیم و به سمت درست کردن صنایع، حمل و نقل و... حرکت کنیم.

دکتر قالیباف عنوان کرد: چندین بار در خصوص سبب سوخت صحبت کردیم و تأکید داشتیم که ال پی جی و سی ان جی ظرفیت‌هایی هستند که باید در سبد مصرف بگذاریم و قانون هم در این رابطه گفته است، در شرایط کنونی هم در موضوع صنایع و هم در موضوع تنوع در سبد سوخت داریم اشتباه می‌کنیم و باید به این نکته هم اشاره شود که سه سال از قانون وارد خودرو می‌گذرد و به هر دلیلی بهانه‌تراشی می‌شود تا خودرو وارد نشود که مصرف را کاهش دهیم؛ بالاخره باید خودروهای اسقاطی را اسقاط کنیم و مصرف خود را استاندارد نماییم که دولت باید به این موضوعات توجه کند و آنها را عملیاتی کند تا مصرف بنزین کاهش یابد زیرا این مسئله قانون است، از سویی هم مردم عزیزمان باید کم‌تر بنزین مصرف کنند تا نرویم بنزین را با دلار وارد کنیم.

رئیس قوه مقننه گفت: در رابطه با بگندم هم این بحث وجود داشته است زیرا دولت ۲۹۰ همت در لایحه پیش‌بینی کرده بود اما برخی رسانه‌ها این‌طور القا می‌کنند که یارانه بگندم هم دیده نشده ولی باید بگویم که این‌طور نیست و اگر جدول نگاه را بکنید ۵۰۴ همت برای آرد پیش‌بینی شده و در شیوه کار و اقدام طبیعتاً دولت توجه می‌کند که به درستی توزیع این‌ها صورت گیرد.

## معادن ایران چگونه سپر امنیت اقتصادی کشور می‌شود؟

با امنیتی شدن زنجیره‌های تأمین جهانی و تشدید رقابت قدرت‌ها بر سر عناصر حیاتی، معادن از یک دارایی صرفاً اقتصادی به ابزار ژئوپلیتیک تبدیل شده‌اند؛ ایران، به واسطه موقعیت ممتاز معدنی خود، می‌تواند با عبور از خام‌فروشی و تعریف «دیپلماسی معدنی»، از منابع زیرزمینی به‌عنوان اهرمی برای ارتقای امنیت اقتصادی و کاهش تحریم‌پذیری استفاده کند.

تاریخ اقتصاد سیاسی جهان در صد سال گذشته با تک‌میکر تغییر گره خورده بود و این متغیر «هیدروکربن‌ها» بود. تمام معادلات امنیتی، از دکترین کارتر در خلیج فارس تا جنگ‌های خاورمیانه، حول محور دسترسی به نفت و گاز تعریف می‌شد اما در دهه سوم قرن بیستم و یک، جهان در حال تجربه یک تغییر فاز بنیادین است. با شتاب گرفتن دواور برونند «گذار به انرژی‌های پاک» و «انقلاب دیجیتال»، اشتدای سیری‌ناپذیر اقتصاد جهانی از شبکه‌های نفت به سمت تن‌های «عناصر حیاتی» تغییر جهت داده است.

لنتیم، کبالت، مس، نیکل و عناصر نادر خاکی دیگر سرانه‌های صنعتی نیستند، بلکه به «نفت جدید» تبدیل شده‌اند. در این میان پرسش راهبردی برای ایران - به‌عنوان کشوری که هنوز تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد انرژی فسیلی چیده است - این است که آیا سیاست‌گذار ایرانی متوجه جابه‌جایی زمین بازی شده است؟ به نظر می‌رسد در حالی که ایران کامکان در سر فروش نفت می‌تند، جنگ واقعی قدرت‌های بزرگ به لایه‌های زیرین پوسته زمین منتقل شده است؛ جایی که ایران پتانسیل تبدیل شدن به یک بازیگر غیرقابل حذف دارد.



# عبور دولت و کمیسیون تلفیق از بودجه انقباضی

## گزارش

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ پس از بررسی و اعمال اصلاحات در کمیسیون تلفیق، با تغییرات قابل توجهی در سمت مصارف همراه شده است؛ به‌گونه‌ای که افزایش چشمگیر اعتبارات عمرانی، رشد هزینه‌های جاری ناشی از اصلاح حقوق و دستمزد و نیز تقویت منابع خرید تضمینی بگندم در بخش فرابودجی جدول هدفمندی یارانه‌ها، تصویری جدید از ساختار هزینه‌ای دولت در سال آینده ارائه می‌دهد.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ که در نخستین روز دی‌ماه از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، پس از بررسی‌های فشرده در کمیسیون تلفیق، با تغییرات معناداری در بخش مصارف مواجه شده است؛ تغییراتی که به‌ویژه در حوزه اعتبارات عمرانی، حقوق و دستمزد و همچنین منابع و مصارف هدفمندی یارانه‌ها، تصویر متفاوتی از ساختار هزینه‌ای دولت در سال

آینده ترسیم می‌کند.

بر اساس لایحه اولیه، مجموع هزینه‌های جاری دولت در سال ۱۴۰۵ رقمی نزدیک به ۴۰۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود. این رقم، بدون احتساب هزینه‌های حاکمیتی، تملک دارایی‌های مالی و بازپرداخت اصل و سود اوراق مالی اسلامی تنظیم شده و در واقع بیانگر هزینه‌های مستقیم اداره دولت، پرداخت حقوق و مزایا و سایر تعهدات جاری دستگاه‌ها بود. در همین لایحه اولیه، بودجه عمرانی کشور حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد؛ رقمی که با توجه به رشد صفر درصدی در مقایسه با سال گذشته، همچنان با انتقاداتی در خصوص کفایت آن برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و تحقق رشد اقتصادی هدف‌گذاری شده همراه بود.

بررسی‌های کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۵، مسیر مصارف دولت را به شکل محسوسی تغییر داد. مطابق نسخه به‌روز شده لایحه، اعتبارات عمرانی با افزایشی حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان مواجه شده و به رقمی نزدیک به ۹۵۰ هزار

میلیارد تومان رسیده است. این تغییر به معنای رشد حدود ۶۰ درصدی بودجه عمرانی نسبت به رقم پیشین‌های دولت در لایحه اولیه است؛ رشدی که در صورت تحقق، می‌تواند نقش مهمی در فعال‌سازی پروژه‌های زیربنایی، اشتغال‌زایی و تحریک بخش واقعی اقتصاد ایفا کند.

در کنار این افزایش قابل توجه در اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، بخش دیگری از تغییرات مصارف بودجه ۱۴۰۵ به حوزه حقوق و دستمزد کارکنان و بازنشستگان دولت بازمی‌گردد. بر اساس اظهارات رئیس امور

تلفیق بودجه س‌سازمان برنامه و بودجه، اصلاحات انجام شده در کمیسیون تلفیق منجر به افزوده شدن حدود ۲۳۰ هزار میلیارد تومان به هزینه‌های جاری دولت، صرفاً از محل افزایش حقوق کارمندان شده است.

این رقم در حالی مطرح می‌شود که به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، با احتساب افزایش حقوق بازنشستگان، مجموع بار مالی ناشی از اصلاحات حقوق و مزایا به حدود ۲۹۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید؛ رقمی که باید به برآورد اولیه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی هزینه‌های جاری دولت افزوده شود و عملاً سطح تعهدات جاری دولت در سال آینده را به شکل محسوسی بالا می‌برد.

در لایحه اولیه بودجه، افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت به صورت یکپارچه و با نرخ ۲۰ درصد پیش‌بینی شده بود اما در نسخه ویرایش شده و پس از مداخلات کمیسیون تلفیق، این سیاست تغییر کرده و افزایش حقوق به صورت پلکانی و در بازه‌ای بین ۲۳ تا ۴۶ درصد طراحی شده است؛ رویکردی که هدف آن، کاهش شکاف دریافتی‌ها و حمایت بیشتر از سطوح پایین‌تر حقوق‌بگیران عنوان می‌شود. هرچند پیامدهای آن بر پایداری مالی بودجه همچنان محل بحث کارشناسان است.

سومین محور مهم افزایش مصارف دولت در بودجه ۱۴۰۵، به بخش فرابودجه‌ای، تبصره ۱۴ و مصارف هدفمندی یارانه‌ها مربوط می‌شود. طبق اعلام رئیس امور تلفیق بودجه سازمان برنامه و بودجه، در جریان بررسی‌ها، حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار جدید برای خرید تضمینی بگندم در سال ۱۴۰۵ به منابع و مصارف این تبصره افزوده شده است.

بر اساس ارقام درج شده در نسخه اولیه لایحه، اعتبار پیش‌بینی شده برای خرید تضمینی بگندم در جدول تبصره ۱۴ حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان بود اما با اصلاحات انجام شده، این رقم احتمالاً به حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش خواهد یافت. این افزایش، در چارچوب سیاست‌های حمایتی دولت از تولید داخلی و به‌ویژه در راستای به صرفه شدن فروش بگندم به دولت پس از حذف ارز ترجیحی ارزیابی می‌شود؛ سیاستی که هدف آن، تضمین امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات عنوان شده است.

مجموع این تغییرات نشان می‌دهد که بودجه ۱۴۰۵، پس از حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه و عبور از فیلتر کمیسیون تلفیق، با افزایش قابل توجه در سطح مصارف مواجه شده است. امروز تعیین تکلیف برنامه انقباضی دولت برای بودجه ۱۴۰۵ به یک محور بحث در خصوص سیاست‌های مالی‌آلی تبدیل شده است. موضوعی که رادامه فرآیند بررسی بودجه در صحن علنی مجلس و نیز در مرحله اجرا، نقشی تعیین‌کننده در ثبات مالی و تحقق اهداف اقتصادی دولت خواهد داشت.

## بر اساس اظهارات رئیس امور تلفیق بودجه، سازمان برنامه و بودجه، اصلاحات انجام شده در کمیسیون تلفیق منجر به افزوده شدن حدود ۲۳۰ هزار میلیارد تومان به هزینه‌های جاری دولت، صرفاً از محل افزایش حقوق کارمندان شده است

## ایران در تولید ۱۷ محصول کشاورزی جزو ۱۰ کشور نخست جهان



فاو اعلام کرد ایران در تولید ۱۷ محصول کشاورزی در سال ۲۰۲۴ جزو ۱۰ کشور نخست جهان قرار گرفته است.

جدیدترین آمار منتشرشده از سوی سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فاو) که بر پایه آمار سال ۲۰۲۴ تهیه شده، نشان می‌دهد ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در جهان است. ایران در این سال در تولید ۱۷ محصول کشاورزی در میان ۱۰ کشور برتر دنیا قرار داشته است.

بر اساس آمار فاو، تولید پسته ایران در سال ۲۰۲۴ به ۳۱۶ هزار تن رسیده و ایران به‌عنوان سومین تولیدکننده بزرگ پسته جهان شناخته شده است. همچنین ایران در تولید پسته محصول خرما، گردو و زردآلوی تبه چهارم جهان را به خود اختصاص داده است. تولید خرماهای ایران در این سال یک میلیون و ۱۸۲ هزار تن، گردو ۴۱۱ هزار تن و زردآلو ۳۰۴ هزار تن اعلام شده است.

ایران در تولید چهار محصول گیلاس، انجیر، کیوی و عسل رتبه پنجم جهان را به دست آورده است. تولید گیلاس ایران در سال ۱۳۶ هزار تن، انجیر ۷۵ هزار تن، کیوی ۲۹۴ هزار تن و عسل ۸۰ هزار تن گزارش شده است.

همچنین رتبه ششم تولید بادام جهان با تولید ۱۳۲ هزار تن به ایران اختصاص یافته است. ایران در تولید سه محصول سیب درختی، هلو و بادمجان نیز جایگاه هفتم جهان را به خود اختصاص داده است. تولید سیب درختی ایران در سال ۲۰۲۴ به ۲۰ میلیون و ۳۴۶ هزار تن، هلو ۶۳۸ هزار تن و بادمجان ۵۹۶ هزار تن رسیده است.

فاو همچنین ایران را با تولید ۱۴ هزار تن فندق، هشتمین تولیدکننده بزرگ این محصول در جهان معرفی کرده است. رتبه نهم تولید سه محصول پیاز، پرتقال و اسفناج نیز به ایران تعلق دارد؛ به‌طوری‌که در این سال دو میلیون و ۱۶۲ هزار تن پیاز، دو میلیون و ۲۲۸ هزار تن پرتقال و ۹۹ هزار تن اسفناج در کشور تولید شده است.

ایران همچنین با تولید یک میلیون و ۲۸۰ هزار تن هندوانه، دهمین تولیدکننده بزرگ این محصول در جهان بوده است. بر این اساس، ایران در تولید ۱۷ محصول کشاورزی دارای رتبه تک‌رقمی در جهان است. ظرفیت بالای ایران در بخش کشاورزی یکی از عوامل مهم تاب‌آوری کشور در برابر تحریم‌های غیرقانونی آمریکا محسوب می‌شود.

که قرار بود از طریق تالار دوم بازار ارز عرضه شود. با این حال، نرخ ارز در این تالار نسبت به نرخ جدید ارز در بودجه، یعنی ۱۳۳ هزار تومان تغییر محسوسی نسبت به قبل نداشته و به همین دلیل، درآمد مستقیم نفتی گلوگاه اصلی تأمین هزینه‌های جدید بودجه محسوب نمی‌شود.

در مقابل، یکی از مهم‌ترین ردیف‌هایی که در تأمین منابع افزایش سقف بودجه نقش دارد، استقراض از صندوق توسعه ملی است؛ موضوعی که در قالب واگذاری دارایی‌های مالی دولت نیز به‌عنوان منابع پیش‌بینی شده است. مطابق احکام بودجه، سهم صندوق توسعه ملی از فروش نفت و گاز همچنان ۲۰ درصد باقی خواهد ماند اما آمار سهم صندوق از این محل، به‌صورت استقراض در اختیار دولت قرار می‌گیرد.

بر اساس برآورد اولیه لایحه بودجه ۱۴۰۵، دولت پیش‌بینی کرده بود که در بخش واگذاری دارایی‌های مالی، حدود ۵۹۰ هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی استقراض کند. با توجه به ماهیت ارزی منابع صندوق توسعه ملی، افزایش نرخ ارز مصارف مالی، افزایش نرخ ارز منابعی برای جبران افزایش ۶۵۰ هزار میلیارد تومان از صندوق توسعه ملی، افزایش نرخ ارز و حمایت‌های معیشتی پیش‌بینی شده است؛ بنابراین، درآمد ناشی از این تغییر نرخ ارز، عملاً مصرف مشخصی دارد و نمی‌تواند به‌عنوان منبعی برای جبران افزایش ۶۵۰ هزار میلیارد تومانی سقف بودجه تلقی شود.

از سوی دیگر، موضوع درآمد‌های نفتی مستقیم نیز به‌عنوان محور اصلی تأمین این افزایش هزینه‌ها مطرح نیست. دولت علاوه بر منابع حاصل از فروش نفت برای واردات کالاهای اساسی، دارای مزاد درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت است

## بررسی جزئیات منابع درآمدی نشان می‌دهد که مسیر تأمین این ۶۵۰ هزار میلیارد تومان، ترکیبی از چند منبع متفاوت بوده و برخی برداشت‌های رایج درباره نقش درآمد‌های نفتی یا واردات کالاهای اساسی، نیازمند بازنگری است



یکی دیگر از پایه‌های اصلی تأمین منابع بودجه ۱۴۰۵ است. در مجموع، از حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان واگذاری دارایی‌های مالی دولت، رقمی نزدیک به ۹۴۰ هزار میلیارد تومان به عرضه اوراق بدهی اختصاص دارد. رئیس سازمان برنامه و بودجه صراحتاً اعلام کرده است که افزایش این ردیف، یکی از ابزارهای اصلی برای جبران بخشی از ۶۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه جدید افزوده شده به سقف بودجه بوده است.

علاوه بر این، عرضه سهام شرکت‌های دولتی و واگذاری دارایی‌ها اوراق و واگذاری دارایی‌ها تأمین خواهد شد. مسیری که اگرچه از منظر حسابداری می‌تواند به‌تراز شدن بودجه منجر شود، اما آثار آن بر بدهی دولت، پایداری مالی و متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله موضوعاتی است که در مرحله اجرا با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.





### معماری جدید امنیت غذایی

#### محمد مهدی فامیل محمدی

مفهوم اگری تردید با تجارت محصولات کشاورزی، مقوله‌ای متمایز از صرف تولید کشاورزی است. در اقتصاد سیاسی بین الملل، لزوماً کشورهایی که بزرگترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی هستند، بازیگران اصلی تجارت این محصولات محسوب نمی شوند. چه بسا کشورهایی که تولید محدودتری دارند، اما دولت‌ها یا شرکت‌هایشان مدیریت زنجیره ارزش و تجارت جهانی غذا را در اختیار دارند. این نوشتار به بررسی گذار تاریخی نظم تجارت جهانی غذا از سلطه آمریکا به سوی یک نظم نوین با محوریت چین و روسیه پرداخته و جایگاه و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران را در این تحول تبیین می کند.

از پایان جنگ سرد تا سال ۲۰۰۸، نظم تک بر تجارت جهانی غلات، دانه‌های روغنی و کالاهای اساسی، نظم‌ی ثابت و تحت سلطه ایالات متحده آمریکا و اروپا بود. نمودارها و داده‌های تاریخی نشان می دهند که چهار شرکت بزرگ چندملیتی، مشهور به ABCD، کنترل ۷۰ تا ۶۵ درصد از تجارت محصولات اساسی کشاورزی جهان را در اختیار داشته‌اند. این چهار شرکت عبارتند از: ADM (Archer Daniels Midland)، Bunge، Cargill و Louis Dreyfus. سه شرکت اول کاملاً آمریکایی هستند و شرکت چهارم (لوئی دریفوس)، اگرچه فرانسوی است و با هدف ارتقای نقش اروپا تأسیس شد، اما مدیریت و مقر اصلی آن عملاً در مدار آمریکا عمل می کند. این چهار شرکت به تنهایی مسئول جابه‌جایی ۵۵۰ میلیون تن از مجموع ۶۵۰ میلیون تن تجارت جهانی غلات بوده‌اند. این تمرکز شدید، امنیت غذایی جهان را به سیاست‌های ایالات متحده گره زده بود؛ وضعیتی که حتی کشورهای اروپایی را نیز در برهه‌هایی نگران می کرد.

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ در آمریکا، ترک‌هایی در این نظم تک‌قطبی پدیدار شد و کشورهای تولیدکننده و نوظهور به ضرورت بازتعریف نقش خود در زنجیره ارزش پی بردند. ایالات متحده به به طور سنتی هم در تولید و هم در صادرات نهاده‌های دامی مانند ذرت رتبه اول جهان را با صادرات سالانه ۶۰ تا ۶۰ میلیون تن در اختیار داشت، به تدریج سهم بازار خود را از دست داد. در مقابل، برزیل با رشد پیوسته، سهم خود را افزایش داد تا جایی که در سال ۲۰۲۳ رسماً به بزرگترین صادرکننده ذرت جهان تبدیل شد و جای آمریکا را گرفت.

از سوی دیگر تجارت جهانی غلات که سابقاً مبتنی بر قیمت‌گذاری در بورس شیکاگو (CME) و نظامات دلاری بود، به سمت «قراردادهای مستقیم» و بلندمدت میان کشورها سوق پیدا کرد. همچنین شرکت‌های خصوصی غربی با «شرکت‌های دولتی» (SOEs) از کشورهایی نظیر چین و سنگاپور جایگزین شدند.

#### استراتژی چین: از «خریدار منفعل» به «بازنگر مسلط»

تا پیش از سال ۲۰۱۳ و آغاز طرح کمربند راه، چین در بازار جهانی غذا یک قیمت‌پذیر یا اصطلاحاً Price Taker صرف بود؛ کشوری فاقد قدرت لجستیکی و وابسته به شرکت‌های غربی و حمل‌ونقل دریایی؛ اما یکی استراتژی جدیدی را برای کنترل زنجیره تأمین اتخاذ کرد. چین ابتدا به سمت خرید مستقیم اراضی کشاورزی دیگر رقت که حساسیت‌های امنیتی مثلاً در روسیه و قوانین منع تملک مواجه شد. در نتیجه، استراتژی خود را به دو مدل تغییر داد. مدل اول سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت مشترک با کشور میزبان و مدل دوم تولید قراردادی و پیش خرید محصول برای بازه‌های طولانی ۳ تا ۱۰ ساله.

استراتژی دیگر چین سرمایه‌گذاری در زیرساخت و لجستیک بود. چین از طریق شرکت دولتی کافکو (COFCO) سرمایه‌های عظیمی در

زیرساخت‌های بندری، کشتی‌رانی و صنایع فرآوری مانند روغن کشتی در برزیل و آفریقای جنوبی انجام داد. از جمله پروژه‌های نمونه می توان به ۱۸۰ هزار هکتار کشت نیشکر و صادرات از اراضی تحت تملک در برزیل، ۱۷ پروژه در آفریقای جنوبی (۴۶۳ هزار هکتار) و ۲۹ پروژه در جنوب شرق آسیا (۲۰۵ میلیون هکتار) اشاره کرد.

#### کریدور زمین‌ی جدید غلات (NLGC): اتحاد راهبردی چین و روسیه

یکی از مهم‌ترین ارکان نظم نوین اگری تردید، پروژه کریدور زمین‌ی جدید غلات (New Land Grain Corridor) میان چین و روسیه است. هدف این طرح، جایگزینی مسیرهای دریایی که تحت کنترل غرب است با مسیرهای ریلی امن و کوتاه است. هدف‌گذاری این طرح زیرکشت بردن ۳۱ میلیون هکتار از اراضی یا بارما حاصل خیز روسیه در اقق ۱۰ ساله یعنی ۳۰۲۳ است. همچنین تولید ۶۰ میلیون تن محصول (۳۰ میلیون تن غلات خالص) برای این طرح پیش‌بینی می‌شود که از این میزان، ۱۰ میلیون تن برای چین و ۲۰ میلیون تن برای صادرات به سایر بازارها در نظر گرفته شده است. گفتنی است در اسناد این طرح، صادرات ۱۱.۵ میلیون تن غلات به منطقه غرب آسیا هدف‌گذاری شده است.

چین و روسیه برای فعال‌سازی این طرح اقدامات عملیاتی را در دستور کار قرار دادند. از جمله این اقدامات انعقاد قرارداد کلان بین دو کشور بود که شامل قرارداد ۲ میلیارد دلاری شرکت دولتی چینی چنگ‌تونگ (Chengtong) برای پیش‌خرید ۱۰ ساله محصولات با سازوکار تسویه رویل-یوآن می‌شد. اقدام بعد نیز احداث ترنیمال غلات زابایکالسک (Zabaikalsk) در مرز چین و روسیه با ظرفیت ۸ میلیون تن در سال (فعلاً ۲.۵ میلیون تن فعال) بود که با سرمایه‌گذاری این طرح، صادرات ۱۰ میلیون دلار را اندازی شده است.

#### آسیب‌شناسی امنیت غذایی ایران

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در وضعیت آسیب‌پذیری شدید در حوزه تجارت محصولات اساسی قرار دارد:

وابستگی لجستیکی به دریا: حدود ۷۰ درصد از واردات کالاهای اساسی ایران از طریق دریا و بنادر جنوبی عمدتاً بندر امام خمینی (ره) انجام می‌شود که در شرایط بحران قابل تهدید است. گفتنی است تنها ۲۰ درصد ظرفیت واردات زمینی وجود دارد.

وابستگی ارزی و تجاری به غرب: اگرچه از چین مزاد تجاری داریم، اما چین خود واردکننده غذاست. همچنین ۸۰ درصد تسویه حساب‌های ارزی غذا در نظامات غربی (۳۱ درصد در امارات با درهم، ۲۰ درصد اروپا و ۲۲ درصد ترکیه) انجام می‌شود.

چالش مسیرهای فعلی: واردات از روسیه عمدتاً از طریق واسطه‌های اماراتی و با ارزهای غیرملی انجام می‌شود که هزینه‌زا و غیرمنطقی است. مسیر دریای خزر نیز با محدودیت کاهش تراز آب و ظرفیت پایین کشتی‌ها (۳ تا ۵ هزار تن در مقابل کشتی‌های ۶۰ هزار تنی اقیانوس پیم‌ا) مواجه است.

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

چاپخانه: نگار نقش

کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

شعبان ۱۴۴۷

چاپخانه: نگار نقش

کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

شماره ۴۰۰

چاپخانه: نگار نقش

آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶



# توسعه تعاملات پولی با چین

## گزارش

### سید حسن محفوظی

نظم نوین جهانی، پدیده‌ای تک بعدی نیست؛ بلکه حاصل برهم‌کنش مؤلفه‌های متعددی است که در یک رابطه بده‌بستان متقابل با بازیگران بین‌المللی قرار دارند. یکی از کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین این مؤلفه‌ها، نظام پرداخت و زیرساخت‌های مالی است. طی دو دهه گذشته، به‌ویژه پس از ظهور یورو در اوایل سال ۲۰۰۰ و تشدید استفاده ازبازی ایالات متحده از سلاح تحریم، جهان به سمت کاهش وابستگی به تک‌از دلار حرکت کرده است. این روند، نه یک واکنش هیجانی به رویدادهای اخیر، بلکه یک تغییر ریل استراتژیک در اقتصاد سیاسی بین‌الملل محسوب می‌شود.

در این راستا، جمهوری خلق چین با درک عمیق از تغییرات ژئواکونومیک، راهبرد مشخصی را برای بین‌المللی‌سازی ارزی خود اتخاذ کرده‌است. این گزارش به بررسی تخصصی این راهبرد، ساختار نظام پرداخت CIPS و دلالت‌های آن برای دیپلماسی اقتصادی ایران می‌پردازد.

#### راهبرد بین‌المللی‌سازی یوان

مقامات چینی با هوشمندی دیپلماتیک، هرگز به‌صورت صریح از جایگزینی یوان با دلار سخن نمی‌گویند. کلیدواژه رسمی آن‌ها در اسناد باولاستی، بین‌المللی‌سازی یوان است. این فرآیند از سال ۲۰۰۹ و با هدف نقش‌آفرینی فعال تر از ملی چین در تجارت جهانی آغاز شد.

نقطة عزیمت این طرح، استفاده از ظرفیت منطقه هنگ کنگ به عنوان مدل آزمایشی بود. هنگ‌کنگ اگرچه از نظر سیاسی بخشی از چین است، اما دارای استقلال اقتصادی و ارزی است. تجار در این منطقه به‌صورت غیررسمی از یوان برای مبادلات استفاده می‌کردند. دولت چین با رسمیت بخشیدن به این فرآیند، مفهوم یوان آفشور یا CNH را خلق کرد؛ یوانی که توسط افشور غیرمقیم

لذا ایران نیز برای نقش‌آفرینی در نظم جدید، باید به جای تمرکز صرف بر ترانزیت، به دنبال راهبری زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای باشد.

جمهوری اسولای ایران برای پیاده‌سازی این راهبرد، نیازمند اتخاذ راهبردهایی هوشمندانه برای نقش‌آفرینی مؤثر در این ساختار جدید است. یکی از کلیدی‌ترین رویکردها برای خلق فرصت‌های نوین و تثبیت جایگاه کشور در محیط بین‌الملل، تمرکز بر ایجاد و راهبری زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای است. این ابتکار با عبور از مفاهیم سنتی ترانزیت، به تبیین مفهوم کریدور اقتصادی پرداخته و با بررسی ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و صنعتی کشور، طرح تبدیل ایران به هاب غذا را به عنوان یک پیشران استراتژیک برای توسعه اقتصادی و امنیت ملی پیشنهاد می‌دهد.

کریدور: از اتصال فیزیکی تا تعاملات متقابل اقتصادی
واژه کریدور در ادبیات عمومی و حتی مدیریتی کشور، غالباً به توسعه زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای مانند کریدور شمال-جنوب و صرفاً با هدف عبور کالا تقلیل یافته‌است. این در حالی است که در ادبیات مدرن توسعه، مفهوم کریدور اقتصادی دلالت بر معنای عام‌تر و عمیق‌تری دارد. کریدور اقتصادی به معنای شکل دهی به یک پهنه اقتصادی منسجم و ایجاد زنجیره‌ای از تعاملات متقابل و بده‌بستان‌های اقتصادی میان کشورهای مختلف است. در این الگو، کشورهای عضو کریدور نقش‌های متفاوتی شامل تأمین کنندگان مواد اولیه، تأمین کنندگان لجستیک و حمل‌ونقل، فرآوری کنندگان (تولیسد محصول نهایی) و مصرف‌کنندگان نهایی در یک زنجیره ارزش واحد ایفا می‌کنند.

برای درک بهتر، می‌توان به سه طرح کلان چین اشاره کرد. اگرچه در اذهان عمومی، این طرح تداعی‌کننده توسعه خطوط ریلی و جاده‌ای است، اما این انصالت فیزیکی تنها رویبای طرح هستند. هدف غایی چین، ایجاد یک زنجیره ارزش اقتصادی پیرامون این خطوط مواصلاتی است تا از طریق سرمایه‌گذاری، خرید مواد اولیه و فروش کالا، وابستگی متقابل و توسعه اقتصادی را مدیریت کند.

برای درک بهتر، می‌توان به سه طرح کلان چین اشاره کرد. اگرچه در اذهان عمومی، این طرح تداعی‌کننده توسعه خطوط ریلی و جاده‌ای است، اما این انصالت فیزیکی تنها رویبای طرح هستند. هدف غایی چین، ایجاد یک زنجیره ارزش اقتصادی پیرامون این خطوط مواصلاتی است تا از طریق سرمایه‌گذاری، خرید مواد اولیه و فروش کالا، وابستگی متقابل و توسعه اقتصادی را مدیریت کند.

و به جنوب صادر می‌شود (یا سوآپ می‌گردد).

سوپا ارز: به معنای افتتاح حساب متقابل ریل-یوان میان بانک‌های مرکزی دو کشور در یک بازه زمانی مشخص. این راهکار نیازمند الزاماتی از جمله حل چالش نوسانات نرخ ارز و پند نرخی بودن ارز، وجود بانک‌های عامل ریسک‌پذیر و اراده سیاسی بالا (مشابه تجربه با ترکیه و روسیه، اما در مقیاس بزرگتر) است.

کارگزاری مستقیم بانکی با هدف حذف ارزهای واسط (دلار/درهم/یورو) و تسویه مستقیم با ارزهای ملی که این راهکار نیز نیازمند رابطه رسمی بانکی است که فعلاً محدود است.

استفاده از ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC): با توجه به اینکه یوان دیجیتال و ریل دیجیتال می‌توانند بدون نیاز به سیستم‌های تسویه سنتی عمل کنند، این راهکار نیز می‌تواند راهگشای برخی از مسئله‌های بین کشور باشد. در این زمینه باید عنوان داشت که مسائل حقوقی، رگولاتوری و عدم بلوغ کامل زیرساخت‌های اتصال متقابل از جمله چالش‌های جدی است.

تأسیس اتاق پایاپای مشترک (Clearing House): سازوکار این مدل که در آفریقا و آمریکا لاتین تجربه شده است به این صورت است که یک نهاد مشترک که بانک‌های دو کشور می‌توانند در آن افتتاح حساب کنند، تأسیس می‌شود. به کمک این حساب‌ها تراکنش‌های تجاری صادرکنندگان و واردکنندگان دو کشور توسط بانک هائیت می‌شود. به جای انتقال پول برای هر معامله، سیستم تنها مانده حساب را در دوره‌های زمانی مشخص تسویه می‌کند. از جمله مزایای این راهکار کاهش شدید نیاز به تراکنش بانکی، کاهش کارمز، افزایش سرعت و دور زدن گلوگاه‌های تحریمی است.

ارتقای الگوی کارگزاری از کارگزاری شرکتی به کارگزاری مالی: در حال حاضر به صورت عمده از شرکت‌های تجاری پوششی برای جابجایی پول استفاده می‌شود که در دسته الگوی منفعلانه قرار می‌گیرد. در مقابل پیشنهاد می‌شود نهادهای مالی (با هویت حقوقی مستقل) در چین یا کشورهای ثالث که کارکرد بانکی و مالی داشته باشند، نه صرفاً تجاری، تأسیس شوند. این نهادها می‌توانند نقش هاب مالی و اتاق پایاپای را ایفا کنند.

در حال حاضر، راهبرد ایران مبتنی بر استفاده از شبکه پوششی در کشورهای ثالث (امارات، ترکیه و...) است. در این الگو، صادرکننده ایرانی کالا را می‌فروشد، پول به صورت یوان دلار دریافت می‌شود، طی فرآیندی به درهم تبدیل شده و سپس به داخل منتقل می‌شود. این رویکرد، یک راهکار منفعلانه و تدافعی است که دارای سقف ظرفیت مشخصی است. نمی‌توان انتظار داشت با شبکه پوششی غیررسمی، سطح تجارت با چین یا هر کشور دیگری را دوپاسه برابر کرد؛ چرا که این الگو برقی باطراحی شده، نه برای توسعه.

این در حالی است که جهان و حتی گروه G۲۰، به سمت پذیرش نظام‌های پرداخت منطقه‌ای و چندقطبی حرکت کرده است. این یک فرصت تاریخی برای ایران استست. به جای دل خوش

کردن به روش‌های دور زدن تحریم که پرهزینه و ناپایدارند، باید به سمت نهادسازی حرکت کرد. از جمله تأسیس نهادهای مالی مستقل ایرانی در چین به عنوان اتاق پایاپای، مذاکره سیاسی برای اتصال به CIPS و گذار از صرافی محوری به سمت ایجاد کارگزاری‌های مستقیم مالی از طریق الگوهای خلاقانه.

برای بازیگران منفعل ندارد. استفاده از ظرفیت‌هایی همچون CIPS و اتاق‌های پایاپای دو جانبه، نه یک انتخاب لوکس، بلکه ضرورتی حیاتی برای تضمین امنیت تجارت خارجی و گذار از اقتصاد تحریم‌زده به اقتصاد مقاومتی و توسعه‌گرا است.

به معنای افتتاح حساب متقابل ریل-یوان میان بانک‌های مرکزی دو کشور در یک بازه زمانی مشخص. این راهکار نیازمند الزاماتی از جمله حل چالش نوسانات نرخ ارز و پند نرخی بودن ارز، وجود بانک‌های عامل ریسک‌پذیر و اراده سیاسی بالا (مشابه تجربه با ترکیه و روسیه، اما در مقیاس بزرگتر) است.

کارگزاری مستقیم بانکی با هدف حذف ارزهای واسط (دلار/درهم/یورو) و تسویه مستقیم با ارزهای ملی که این راهکار نیز نیازمند رابطه رسمی بانکی است که فعلاً محدود است.

استفاده از ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC): با توجه به اینکه یوان دیجیتال و ریل دیجیتال می‌توانند بدون نیاز به سیستم‌های تسویه سنتی عمل کنند، این راهکار نیز می‌تواند راهگشای برخی از مسئله‌های بین کشور باشد. در این زمینه باید عنوان داشت که مسائل حقوقی، رگولاتوری و عدم بلوغ کامل زیرساخت‌های اتصال متقابل از جمله چالش‌های جدی است.

تأسیس اتاق پایاپای مشترک (Clearing House): سازوکار این مدل که در آفریقا و آمریکا لاتین تجربه شده است به این صورت است که یک نهاد مشترک که بانک‌های دو کشور می‌توانند در آن افتتاح حساب کنند، تأسیس می‌شود. به کمک این حساب‌ها تراکنش‌های تجاری صادرکنندگان و واردکنندگان دو کشور توسط بانک هائیت می‌شود. به جای انتقال پول برای هر معامله، سیستم تنها مانده حساب را در دوره‌های زمانی مشخص تسویه می‌کند. از جمله مزایای این راهکار کاهش شدید نیاز به تراکنش بانکی، کاهش کارمز، افزایش سرعت و دور زدن گلوگاه‌های تحریمی است.

ارتقای الگوی کارگزاری از کارگزاری شرکتی به کارگزاری مالی: در حال حاضر به صورت عمده از شرکت‌های تجاری پوششی برای جابجایی پول استفاده می‌شود که در دسته الگوی منفعلانه قرار می‌گیرد. در مقابل پیشنهاد می‌شود نهادهای مالی (با هویت حقوقی مستقل) در چین یا کشورهای ثالث که کارکرد بانکی و مالی داشته باشند، نه صرفاً تجاری، تأسیس شوند. این نهادها می‌توانند نقش هاب مالی و اتاق پایاپای را ایفا کنند.

در حال حاضر، راهبرد ایران مبتنی بر استفاده از شبکه پوششی در کشورهای ثالث (امارات، ترکیه و...) است. در این الگو، صادرکننده ایرانی کالا را می‌فروشد، پول به صورت یوان دلار دریافت می‌شود، طی فرآیندی به درهم تبدیل شده و سپس به داخل منتقل می‌شود. این رویکرد، یک راهکار منفعلانه و تدافعی است که دارای سقف ظرفیت مشخصی است. نمی‌توان انتظار داشت با شبکه پوششی غیررسمی، سطح تجارت با چین یا هر کشور دیگری را دوپاسه برابر کرد؛ چرا که این الگو برقی باطراحی شده، نه برای توسعه.

این در حالی است که جهان و حتی گروه G۲۰، به سمت پذیرش نظام‌های پرداخت منطقه‌ای و چندقطبی حرکت کرده است. این یک فرصت تاریخی برای ایران استست. به جای دل خوش کردن به روش‌های دور زدن تحریم که پرهزینه و ناپایدارند، باید به سمت نهادسازی حرکت کرد. از جمله تأسیس نهادهای مالی مستقل ایرانی در چین به عنوان اتاق پایاپای، مذاکره سیاسی برای اتصال به CIPS و گذار از صرافی محوری به سمت ایجاد کارگزاری‌های مستقیم مالی از طریق الگوهای خلاقانه.

برای بازیگران منفعل ندارد. استفاده از ظرفیت‌هایی همچون CIPS و اتاق‌های پایاپای دو جانبه، نه یک انتخاب لوکس، بلکه ضرورتی حیاتی برای تضمین امنیت تجارت خارجی و گذار از اقتصاد تحریم‌زده به اقتصاد مقاومتی و توسعه‌گرا است.



Charsogh newspaper.com

راهکار بديل شده است

سوپا ارز: به معنای افتتاح حساب متقابل ریل-یوان میان بانک‌های مرکزی دو کشور در یک بازه زمانی مشخص. این راهکار نیازمند الزاماتی از جمله حل چالش نوسانات نرخ ارز و پند نرخی بودن ارز، وجود بانک‌های عامل ریسک‌پذیر و اراده سیاسی بالا (مشابه تجربه با ترکیه و روسیه، اما در مقیاس بزرگتر) است.

کارگزاری مستقیم بانکی با هدف حذف ارزهای واسط (دلار/درهم/یورو) و تسویه مستقیم با ارزهای ملی که این راهکار نیز نیازمند رابطه رسمی بانکی است که فعلاً محدود است.

استفاده از ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC): با توجه به اینکه یوان دیجیتال و ریل دیجیتال می‌توانند بدون نیاز به سیستم‌های تسویه سنتی عمل کنند، این راهکار نیز می‌تواند راهگشای برخی از مسئله‌های بین کشور باشد. در این زمینه باید عنوان داشت که مسائل حقوقی، رگولاتوری و عدم بلوغ کامل زیرساخت‌های اتصال متقابل از جمله چالش‌های جدی است.

تأسیس اتاق پایاپای مشترک (Clearing House): سازوکار این مدل که در آفریقا و آمریکا لاتین تجربه شده است به این صورت است که یک نهاد مشترک که بانک‌های دو کشور می‌توانند در آن افتتاح حساب کنند، تأسیس می‌شود. به کمک این حساب‌ها تراکنش‌های تجاری صادرکنندگان و واردکنندگان دو کشور توسط بانک هائیت می‌شود. به جای انتقال پول برای هر معامله، سیستم تنها مانده حساب را در دوره‌های زمانی مشخص تسویه می‌کند.

از جمله مزایای این راهکار کاهش شدید نیاز به تراکنش بانکی، کاهش کارمز، افزایش سرعت و دور زدن گلوگاه‌های تحریمی است.

ارتقای الگوی کارگزاری از کارگزاری شرکتی به کارگزاری مالی: در حال حاضر به صورت عمده از شرکت‌های تجاری پوششی برای جابجایی پول استفاده می‌شود که در دسته الگوی منفعلانه قرار می‌گیرد. در مقابل پیشنهاد می‌شود نهادهای مالی (با هویت حقوقی مستقل) در چین یا کشورهای ثالث که کارکرد بانکی و مالی داشته باشند، نه صرفاً تجاری، تأسیس شوند. این نهادها می‌توانند نقش هاب مالی و اتاق پایاپای را ایفا کنند.

در حال حاضر، راهبرد ایران مبتنی بر استفاده از شبکه پوششی در کشورهای ثالث (امارات، ترکیه و...) است. در این الگو، صادرکننده ایرانی کالا را می‌فروشد، پول به صورت یوان دلار دریافت می‌شود، طی فرآیندی به درهم تبدیل شده و سپس به داخل منتقل می‌شود. این رویکرد، یک راهکار منفعلانه و تدافعی است که دارای سقف ظرفیت مشخصی است. نمی‌توان انتظار داشت با شبکه پوششی غیررسمی، سطح تجارت با چین یا هر کشور دیگری را دوپاسه برابر کرد؛ چرا که این الگو برقی باطراحی شده، نه برای توسعه.

این در حالی است که جهان و حتی گروه G۲۰، به سمت پذیرش نظام‌های پرداخت منطقه‌ای و چندقطبی حرکت کرده است. این یک فرصت تاریخی برای ایران استست. به جای دل خوش

کردن به روش‌های دور زدن تحریم که پرهزینه و ناپایدارند، باید به سمت نهادسازی حرکت کرد. از جمله تأسیس نهادهای مالی مستقل ایرانی در چین به عنوان اتاق پایاپای، مذاکره سیاسی برای اتصال به CIPS و گذار از صرافی محوری به سمت ایجاد کارگزاری‌های مستقیم مالی از طریق الگوهای خلاقانه.

برای بازیگران منفعل ندارد. استفاده از ظرفیت‌هایی همچون CIPS و اتاق‌های پایاپای دو جانبه، نه یک انتخاب لوکس، بلکه ضرورتی حیاتی برای تضمین امنیت تجارت خارجی و گذار از اقتصاد تحریم‌زده به اقتصاد مقاومتی و توسعه‌گرا است.



با فشارهای سیاسی به سادگی قابل گسست یا انهدام نیست. همچنین این طرح سبب ارتقای امنیت غذایی داخلی نمی‌شود. با تبدیل شدن به هاب فرآوری، حجم غطیعیی در کشور گردش می‌کند که دسترسی ایران به منابع غذایی را تضمین کرده و دغدغه‌های تأمین دانه‌های روغنی یا نهاده‌های دامی را مرتفع می‌سازد. از سوی دیگر با کاهش اهمیت نفت در معادلات قدرت جهانی، ایران، صنعت غذا باید منابع قدرت را متنوع سازد. صنعت غذا می‌تواند جایگزینی هوشمندانه برای نقش سنتی نفت در دیپلماسی کشور و یکی از مولفه‌های بازآفرینی قدرت ایران در نظم نوین باشد.

برای تحقق این چشم‌انداز، نقش حاکمیت باید «تصدی‌گری» به «تسهیل‌گری و راهبری» تغییر

یابد. الزامات اصلی عبارتند از:

فرماندهی واحد: تشکیل یک مرکز فرماندهی واحد در سطوح عالی دولت برای هماهنگی میان بخشی، رفع موانع بروکراتیک و صدور مجوزهای لازم برای ورود موقت صادرات.

دیپلماسی اقتصادی فعال: وزارت امور خارجه و دستگاه‌های ذی‌ربط باید این طرح را به عنوان محور مذاکرات منطقه‌ای قرار دهند. این مذاکرات می‌توانند شامل توافق برای تأمین مواد اولیه، ایجاد انبارهای مشترک لجستیکی و واحی تأسیس مناطق آزاد مشترک توسعه‌یابی شوند.

اعتماد به بخش خصوصی: واگذاری امور عملیاتی به بخش خصوصی توانمند که چابکی لازم را داشته واز پیچیدگی‌های دولتی مبراست.

بذین صورت می‌توان چنان بیان کرد که طرح «هاب غذا» مشارکت راهبردی «بمحوریت زنجیره ارزش صنعتی، پاسخی عملیاتی به چالش‌های اقتصادی و امنیتی کشور در نظم جدید جهانی است. این طرح با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خالی صنایع موجود و موقعیت جغرافیایی کشور، نه تنها منجر به رونق تولید و رازآوری می‌شود، بلکه با ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، جایگاه ژئوپلیتیک ایران را تثبیت کرده و امنیت غذایی پایدار را برای کشور به ارمغان می‌آورد.

تحقق این امر نیازمند عزم حاکمیتی برای تسهیل‌گری داخلی و دیپلماسی فعال خارجی است.